

فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، دوره ششم، شماره ۲، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۹-۳۲

بررسی ضرورت‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی

مرتضی ابراهیمی^۱

تاریخ دریافت: ۹۲/۱۱/۹

تاریخ پذیرش: ۹۳/۲/۱۲

چکیده

تلاش مستمر متفکران علوم انسانی برای ایجاد تعادل میان معتقدات بشر درباره جهان و زندگی از یک سو و جهان‌بینی از سوی دیگر، نشان می‌دهد که فاصله‌ای جدی میان اعتقادات و جهان‌بینی آنها وجود دارد. هر اندیشه‌ای هر اندازه متافیزیکی (مجرد)، هر تجربه‌ای در هر رتبه از شهود، هر منظر و اعتقادی هر قدر درون‌رشته‌ای و فراتاریخی باشد، ناگزیر متأثر از شرایط محیطی است. یکی از اساسی‌ترین معضلات علوم انسانی فقدان پارادایم است، که مطالعات میان‌رشته‌ای می‌تواند بخشی از این خلأ را جبران کند. ضرورت مطالعات بین‌رشته‌ای و ترکیب و انسجام رشته‌های تخصصی در مطالعه یک مسئله واحد یا مسائل متعدد قبل از هر چیز نیازمند تفکر باز و منسجم تحلیلی و همکاری در عمل و اندیشه‌نخبگان است. روش میان‌رشته‌ای معرفتی است که در قلمرو علم و رشته خاصی نمی‌گنجد و در مرز محدودی متوقف نمی‌شود. اندیشمندان علوم انسانی می‌توانند گام‌هایی اساسی با تکیه بر نبوغ عقلانی (فلسفی)، توانایی علمی، سابقه درخشان تاریخی و تحول بردارند. زیرا هیچ یک از فعالیت‌های اجتماعی بشر تک‌بعدی نیست و تعامل میان رشته‌های گوناگون علوم انسانی باعث می‌شود که اندیشمندان در قلمرو علوم بیشتر، موضوعات جدیدی را تعقیب کنند. بنابراین خط‌پذیری دانش بشر، ماهیت مکمل‌سازی، چندتباری بودن دانش و تعهد اخلاقی، ضرورت رویکرد جدی به مطالعات میان‌رشته‌ای را در علوم انسانی ایجاب می‌کند.

کلید واژه: میان‌رشته‌ای، علوم انسانی، جامع‌نگری، روش‌شناسی

مقدمه

رشد و توسعه علوم و توجه به جزئیات باعث شده است، به رغم تفکیک و تقسیم‌بندی آنها در گرایش‌های مختلف، آنها به شدت با یکدیگر تلاقی داشته باشند. با توجه به این که علم در تولید، تجربه و گسترش، از منبع و وسیله‌ای به نام عقل انسانی برخوردار است، بنابراین به طور طبیعی همه علوم به رغم گستردگی دارای تشابهات و فصل مشترک‌های قابل تأملی هستند. زیرا همه علوم بر اساس نیاز و احتیاج مادی و معنوی انسان تعریف و تبیین می‌شوند و طبیعی‌ست هر اندازه که حوزه مطالعات علم وسیع‌تر و پیچیده‌تر باشد، به همان نسبت آن علم از ویژگی‌ها و جایگاه خاصی برخوردار خواهد شد. توجه به دغدغه‌های تجربی نظیر مسائل اجتماعی، بهداشتی، امنیتی، خوراکی و رفاهی نقش اساسی در فعال شدن فکر بشر در کالبدشکافی پدیده‌های پیرامونی او دارد. به این معنا که ضرورت تأمین مسائل اساسی زندگی، نظیر حفظ جان و مال، تأثیر بنیادین در رویکرد انسان به کنکاش‌های تجربی و مادی دارد. ترکیب یا تفکیک شاخه‌ها و گرایش‌های مختلف از یکدیگر دلالت بر این نکته دارد که هرگز شاخه‌های مختلف علم بشری به طور مطلق بی‌نیاز از هم نبوده، بلکه مکمل یکدیگر هستند.

در این میان علوم انسانی معطوف به مطالعه اوصاف و ویژگی‌های انسانی و برخوردار از زیرشاخه‌های متنوع فلسفی، حقوقی، عقیدتی، هنری، زیباشناختی، سیاسی و... است که نمی‌توان آنها را به طور کامل از هم جدا کرد، بلکه تخصص‌گرایی، دقت و عمیق شدن در یک بعد و جهت، باعث تجزیه و جدایی آنها از یکدیگر شده است. هرچند که اصلاح دینی به شدت بر دامنه توسعه و ارزش‌گذاری تجربه در عصر مدرن افزود و متعاقب آن به تدریج دانش تجربی بر تمام ابعاد روحی، هنری، رفتاری و فرهنگی انسان سایه انداخت، اما باید عنایت داشت که چنین تفکیک و تبیینی رویکردی یک‌جانبه و ناقص بوده است. بنابراین ضرورت مطالعه بین‌رشته‌ای و تلاش برای بهره‌مندی از توانایی یکدیگر امری معقول، منطقی و دارای نتیجه مضاعف است. این مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که ضرورت و دلایل مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی چیست؟ برای بررسی اهمیت و ضرورت میان‌رشته‌ای ابتدا باید مفهوم‌شناسی انجام گیرد.

مفاهیم و اصطلاحات

رشته^۱

به معانی متعددی نظیر ریسمان، رابطه، طول، مهلت و نیز یادداشت کردن است. همچنین دیسپلین

1. discipline



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۰

دوره ششم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۳



معادل رشته تحصیلی، رشته آموزشی، آموزش انضباطی و غیره است (جعفری، ۱۳۸۰). در تعریف عربی رشته می‌خوانیم: فرع من المعرفة او الدراسة. در اصطلاح، رشته^۱ به شاخه‌ای از دانش خاص یا آموزشی خاص گفته می‌شود (بعلبکی، ۱۹۹۲). مثلاً وقتی گفته می‌شود رشته ریاضی، یعنی شاخه‌ای از علم و آموزش که در ارتباط با ریاضی بحث می‌کند. رشته تحصیلی دارای ماهیت حصر و قیدی‌ست و متمرکز و ناظر بر یک بعد و عمق از معارف است.

۱. میان‌رشته‌ای^۲

میان‌رشته ناظر بر آن حوزه از مطالعه دانش است که ارتباط تکمیلی متقابل با شاخه‌های دیگر دارد؛ به عبارت دیگر میان‌رشته نقطه مقابل رهیافت حصرگرایی بوده و به قصد درمان و پیشگیری از آفات این رویکرد ایجاد شده است. میان‌رشته‌ای برنامه پژوهش مبتنی بر کثرت‌گرایی یا روش‌شناسی‌ست که فرد محقق و پژوهشگر از سطح واحد و محدود به یک حوزه از دانش فراتر رفته و نسبت به دانش‌های مختلف ناظر بر مسئله‌ای واحد توجه نشان می‌دهد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰: ۲۹).

میان‌رشته‌ای نوعی مباحثه در خلال رشته‌های مختلف (معمولاً مرتبط با علوم انسانی و اجتماعی) است. رپکو می‌گوید: میان‌رشته‌ای فرایند پاسخ‌گویی به سؤال، حل یک مسئله یا توجه به یک موضوع است که به سبب وسعت و پیچیدگی نمی‌توان توسط یک رشته علمی خاص به آن پرداخت. بنابراین نگرش‌های مختلف چند رشته و روش آنها ائتلاف کرده و به فراهم آوردن شناخت و درکی عمیق‌تر و دقیق‌تر از موضوع کمک می‌کنند (دانشگر، ۱۳۸۹: ۵). در تعریفی دیگر، میان‌رشته‌ای عبارت است از تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسئله پیچیده یا معضل اجتماعی چندوجهی (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸: ۶۹). در واقع مطالعات میان‌رشته‌ای موضوعی غیررشته‌ای‌ست که در قلمرو علم و رشته خاصی نمی‌گنجد و در مرز محدودی متوقف نمی‌شود، بلکه مانند مسائل عام فلسفه علم و معرفت‌شناسی با اکثر رشته‌های تخصصی (به ویژه در علوم انسانی) سر و کار دارد (برزگر، ۱۳۸۶: ۹).

۲. علوم انسانی

تعریف‌های گوناگونی برای علوم انسانی ارائه شده است. علم از مسائل فلسفه است و تعریف آن مانند تعریف وجود تعریفی لفظی‌ست. علاوه بر این، وقتی که همه چیز نزد عقل به واسطه نور علم شناخته می‌شود، چگونه می‌توان خود علم را به وسیله چیزی دیگر که علم نیست و

1. course

2. interdisciplinary

روش‌شناسی ندارد شناخت؟ با این حال در تعریف لفظی علم می‌توان گفت علم عبارت است از وجود شیئی مجرد از ماده در نزد شیئی مجرد از ماده. یا علم وجود صورتی‌ست حاصل برای شیئی بالفعل و مجرد که از قوه و نیستی منزّه است (حائری یزدی، ۱۳۶۱: ۱۱۷-۱۱۶). علم، در مفهوم کلی، بر هر نوع آگاهی نسبت به اشیا، پدیده‌ها، روابط و غیره گفته می‌شود؛ اعم از این‌که این آگاهی مربوط به جهان مادی باشد یا عالم معنا و ماوراءالطبیعه. علم در مفهوم کلی یا عام^۱ است یا خاص^۲.

علم عام مجموعه آگاهی‌ها و معلوماتی‌ست که بشر در طول تاریخ به دنیای مادی و غیرمادی پیدا کرده است. علم خاص در نقطه مقابل علم عام است و مراد از آن بخشی از دانش و آگاهی‌های نوع بشر است که از طریق تجربه قابل اثبات و تأیید باشد. برای همین علم خاص را مترادف با علوم تجربی و طبیعی به کار می‌گیرند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۲۲). با افزایش حجم، تنوع و گستردگی معلومات نیاز به تقسیم‌بندی معلومات و معارف بشری پدید آمد. اندیشمندان، از زمان یونان باستان تاکنون، علوم را به انواع مختلف تقسیم‌بندی کرده‌اند و عموماً این تقسیم‌بندی‌ها ناظر بر قلمرو و حیطه‌های شناختی بوده است (رک: بحرانی، ۱۳۹۲). در یک تقسیم‌بندی حیطه‌شناختی و معرفتی در سه سطح قابل طبقه‌بندی می‌باشد:

الف. حوزه شناختی علوم طبیعی: این حوزه شامل دانش‌ها و معارفی‌ست که به هر نحو درباره طبیعت و موضوعات طبیعی که دارای خواص مادی و تجربی‌ست به دست می‌آید؛ مانند علم پزشکی، مهندسی و...

ب. علم الهی یا الهیات: مجموعه معلوماتی که خارج از عالم ماده و محسوسات قرار دارد. این حوزه به شناخت دینی نیز گفته می‌شود؛ مانند خداشناسی، فقه، و...

ج. علوم انسانی: شامل معلوماتی‌ست که به خصلت‌ها، ویژگی‌ها، فعالیت‌ها و رفتارهای نوع انسان مربوط می‌شود (همان: ۲۵).

بنابراین می‌توان علوم انسانی را چنین تعریف کرد: مجموعه معلوماتی که با منشأ عقلی، فکری، احساسی و رفتاری درباره ماهیت و ویژگی‌های انسان بحث می‌کند. به عبارت دیگر علمی که موضوع مطالعه آنها نوع انسان در حوزه‌های رفتاری، خصلت‌ها و فعالیت‌هاست؛ مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی، سیاست، فلسفه، منطق، ریاضیات. با توجه به مطالب فوق فرضیه‌های بحث در راستای ضرورت مطالعات میان رشته‌ای را می‌توان چنین مطرح کرد: ۱-



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۲

دوره ششم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۳

1. knowledge
2. science

دانش بشری خطاپذیر است ۲- دانش‌های بشری بدلیل چندتباری بودن نیازمند تکمیل و وحدت اخلاقی هم هستند. روش بحث تحلیلی و توصیفی مستند به کتب و مقالات مرتبط است.

گونه‌شناسی علوم انسانی

به طور کلی علم، اعم از جامع، حضوری، حصولی، واجب، ممکن، ادراک عقلی، و ادراک حسی، با قرار دادن انسان به عنوان موضوع مورد مطالعه به عناوین زیر قابل طرح است:

۱. علوم اخلاقی خاص: این علم فقط از خود انسان بحث می‌کند؛ مانند علم النفس یا روانشناسی.

۲. علوم اجتماعی: که درباره روابط میان انسان‌ها بحث می‌کند؛ مانند علم اقتصاد، علوم سیاسی و جامعه‌شناسی.

۳. علوم تاریخی: که فرایند رشد و نمو و زندگی انسان را در طول زمان مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد؛ مانند دوره یونان باستان، قرون وسطی، اسلام، مدرنیسم، و... (سیاسی، ۱۳۵۰: ۳۳۹). زیرا تاریخ به معنای شناخت سلف (گذشته) از روی خلف (جانشین) سودآورترین آموزگار و آیین زمان برای جامعه بشری است (فرامرز قراملکی ۱۳۸۰: ۲۳۳).

۴. علوم اعتقادی و دینی: که از ویژگی‌ها و اوصاف عقیدتی، جهان‌بینی و ایدئولوژی انسان بحث می‌کند؛ این که انسان چیست؟ اهداف او کدام است؟ و پرسش از سرانجام عالم، آدم، مسئولیت‌پذیری، ثواب و عقاب و... (حائری یزدی، ۱۳۶۱: ۱۱۹).

بحث و بررسی

شناخت هر چند اجمالی نسبت به هر موضوعی برای موفقیت در هرگونه فعالیت درباره آن لازم است. پژوهشگر بر اساس تصویری که از پژوهش و حوزه مطالعات خود دارد، با ابزارها و روش‌های مختلفی مواجهه می‌شود (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰: ۲۱). شناخت، پژوهش و مطالعه‌ای متقن و منطقی خواهد بود که از فعالیت منظم و روشمند برخوردار باشد و به یافتن مسائل معینی بیانجامد. به هر نسبت که موضوع مورد مطالعه (مانند انسان) پیچیده و مهم باشد، به همان اندازه پژوهش نیز نیازمند ظرافت، دقت و قاعده‌مندی بیشتری است. فلاسفه و دانشمندان برای آگاهی از حقایق و واقعیت‌های جهان هستی و کشف حقیقت پدیده‌ها، به منابع، مبانی و اصول مختلفی مراجعه کرده‌اند.

عصر کنونی عصری ناآرام و تشنه نوآوری است و با این سؤال مواجه است که حق، اخلاق و



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۳

بررسی ضرورت‌های
مطالعات میان‌رشته‌ای...

قانون از کجا نشئت می گیرند و الزامات آنها بر چه مبنایی استوار است؟ عالی ترین مقیاس هایی که باید راهنمای هر کوششی برای تغییر و اصلاح باشند کدامند؟ (گمپرتس، ۱۳۷۵: ۴۰۵). این ها از جمله سؤالاتی هستند که ضرورت نگاه میان رشته ای را آشکار می کنند. عده ای با توسل به عقل و با استدلال و برهان، عده ای به کمک تجربه از راه حواس، عده ای با قلب و دل از راه تزکیه، و عده ای هم با کمک وحی از طریق کتب آسمانی، به دنبال شناخت و معرفت هستند. گروهی هم ممکن است همه این منابع و داده ها را برای فهم انتخاب کنند و طبیعی و منطقی خواهد بود که شیوه عمل گروه اخیر از اتقان، محتوا و ظرفیت بالاتری برخوردار شود. زیرا تمامی شیوه ها و فصل مشترک های ممکن (چندتباری) را برای ادراک یا کشف حقیقت و واقعیت انتخاب کرده است (مطهری، ۱۳۷۶: ۴۹).

روش نمایانگر ترکیب نظام مند ارزش هاست و عمل روش مند، تصویری واقعی از رفتارها به دست می دهد. کاربرد روش مند آگاهی نمایانگر تلاش فکری فردی و یا همکاری جمعی کارشناسانی است که بر عرصه واقعیت فرو می ریزد. به عبارت دیگر کاربرد روش در توانایی بیان نظر و اراده تبلور می یابد (عباس، ۱۳۸۳: ۲۰۳). تعدد روش ها در مطالعه، پژوهش و تحقیق، گویای آن است که بخشی از معلومات انسان خطاپذیر است. برای این که بفهمیم تصور و صورتی که ذهن ما از پدیده های بیرونی (مادی و فرهنگی) درک می کند، تا چه حد مطابق با واقع است، نیازمند مطالعه و بررسی روش مند پدیده ها هستیم. از این جهت تحقیق و استنباط ما برای تبدیل پدیده مجهول به معلوم، چه به قصد تولید نظریه (بنیادی)^۱ باشد یا کاربردی^۲، بر اساس دانش (حضوری و حصولی) صورت می پذیرد.

دانشمندان و فلاسفه درباره عوامل شناخت و آگاهی دیدگاه های متعددی داشته اند:

۱. تجربه گرایی و پوزیتیویسم: این دیدگاه که در برابر عقل گرایی ارسطویی قرار دارد، در عصر رنسانس علمی (قرن ۱۴ تا ۱۶ م.) رواج یافت و مبتنی بر شناخت حسی و تجربی از راه استقرا است.

۲. عقل گرایی: اساس این روش بر قیاس استوار بوده و در مقابل استقرا قرار دارد. این روش بر آن است که حواس انسان هرگز قادر به فهم کلیت و ضرورت اصول نیست و نیازمند منبع دیگری به نام عقل است. مدل فهمی و تعریفی یونان باستان بر این دیدگاه استوار بود. در روش عقل گرایی، استنباط محوری در برابر روش های توضیحی روش خاص علوم اجتماعی است و



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۴

دوره ششم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۳

1. fundamental
2. applied

از اواخر قرن ۱۹ میلادی با تفسیر و طبقه‌بندی علم شکل گرفت و معتقد است که فهم پدیده‌ها تنها با عقل محض ممکن نیست بلکه به احساسات نیز نیاز دارد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۲: ۶).
با نگاهی اجمالی به دیدگاه‌های مذکور می‌توان نتیجه گرفت که منابع و روش‌های فوق برای درک واقعیت و حقیقت به تنهایی کافی نیستند و هر اندازه این مدل‌ها در تعامل و همکاری نزدیک با یکدیگر باشند، به همان اندازه گستره احاطه بر موضوع و پدیده مورد مطالعه عمیق‌تر و دقیق‌تر خواهد بود.

دلایل ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای

۱. خطاپذیر بودن دانش

بشر نمی‌تواند به تمامی زوایای علم و دانش احاطه پیدا کند. از طرف دیگر تنوع و گستردگی شاخه‌های مختلف علمی اقتضا می‌کند که اندیشمندان برای به حداقل رساندن خطاها در روش استنباطی، استدلالی و تجربی، از حداکثر اشتراکات علمی استفاده کنند. به عبارت دیگر به کارگیری روش‌ها و رهیافت علوم مختلف در تحلیل یک مسئله باعث استمرار الگوی کار و افزایش اثربخشی بیشتر می‌شود. در واقع استفاده از حوزه‌های تخصصی گوناگون در مطالعه یک مسئله، نظام معرفتی نوینی ایجاد می‌کند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۳: ۲۵۳) و بر هر انسان عاقل و محقق مسلم است که در جهت به حداقل رساندن اشتباهات خود حرکت کند. زیرا هدف علم، معلوم ساختن و هموار کردن امور است و در ادیان الهی مانند اسلام، عنصر مشورت و استفاده از عقول دیگران برای رسیدن به بهترین راهکار مورد تأکید و سفارش قرار گرفته است. در این راستا توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای می‌تواند حتی زمینه‌ساز همکاری بین حوزه‌های متعدد علوم انسانی با علوم طبیعی باشد.

۲. مکمل‌سازی و جامع‌نگری (ایده سیستمی)

یکی از اهداف مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی مشاهده پدیده‌ها، مکمل‌سازی، تداخل، ترکیب و نفی تخصصی‌گرایی در حیطه‌های معین است. به این معنا که رشته‌های تخصصی کم‌وبیش باید از چند و چون رشته‌های همسایه خود مطلع باشند تا از نگاه جامع‌تری برخوردار شوند و در نتیجه از تک‌بعدی دیدن پدیده‌ها اجتناب ورزند. در مطالعات میان‌رشته‌ای ضمن بهره‌برداری از دستاوردهای علوم دیگر، باید حریم تخصصی علوم و رشته‌های دیگر نیز شکسته نشود (برزگر، ۱۳۸۶: ۸).



فصلنامه علمی - پژوهشی

۲۵

بررسی ضرورت‌های
مطالعات میان‌رشته‌ای...

بررسی پیرامون روش بین‌رشته‌ای زمینه‌های ایجاد رهیافتی منظم و سیستماتیک را در فعالیت‌های پژوهشی فراهم می‌کند و چگونگی شکل‌گیری جریان‌های فکری و روش‌های تحلیل را در علم و روش‌شناسی ارتقا می‌بخشد. به عبارت دیگر بررسی اجمالی و جامع جریان‌های فکری در علم، بیانگر نحوه تأثیر دانش‌های گوناگون بر یکدیگر و زایش شیوه‌ای نو در آنهاست. بر خلاف برخی رهیافت‌های فکری که در یک اندیشه علمی - تخصصی و در محدوده معینی رشد و نمو کرده‌اند، تفکر سیستمی در محیطی بین‌رشته‌ای و خارج از محدوده علم معینی متولد می‌شود. همکاری علم سیاست با اقتصاد، تاریخ و فرهنگ از حیث مفید است. تفکر سیستمی ضمن تأکید بر تغییر نگرش مبتنی بر تفکیک علوم به حوزه‌های تخصصی، بر ترکیب یافته‌های رشته‌های گوناگون علم نیز توجه دارد (رضائیان، ۱۳۶۸: ۱۴۶).

ماهیت پیچیده انسان و عدم توانایی یک رشته معین در شناخت و تبیین تمامی پدیده‌های انسانی، ضرورت مطالعات چندرشته‌ای را بیش از هر زمانی روشن می‌کند. بنابراین استفاده از حوزه‌های مختلف علمی و تخصصی در فهم پدیده‌های انسانی می‌تواند فرایند مشترک کارکرد مختلف گونه‌های مختلف علوم انسانی و علوم تجربی را شکل دهد، که بر سه محور توصیف، تبیین و تشریح و قدرت پیش‌بینی استوار است. این رویکرد باعث علاقه‌مندی بیشتر محققین نسبت به بررسی و فهم پدیده‌ها گردیده است. زیرا گسترش معرفت جدیدی با نام دانش تجربی (ساینس)، از عصر رنسانس و متأثر از روش استقرایی افق جدیدی را در تحلیل و فهم پدیده‌های علوم اجتماعی ایجاد نمود که رهیافت میان‌رشته‌ای می‌تواند به عنوان راهکاری یعنی اصل برنامه‌پیشگیری و درمان تحویلی‌نگری مورد استفاده قرار گیرد. البته این امر با حفظ جهان‌شمولی ره‌آوردهای علوم و در عین پذیرفتن مبانی پست مدرنیستی، به ویژه در حوزه زمینه‌مندی معرفت، کثرت‌گرایی معرفتی مورد توجه است. در حقیقت ممیز اصلی رهیافت میان‌رشته‌ای با دیگر الگوهای مطالعاتی در پژوهش، اثربخشی آن است. به عبارت دیگر، هدف از مطالعات میان‌رشته‌ای توجه به اندیشه دیگران در شناخت پدیده‌هاست (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۶: ۱۴۶).

۳. چندتباری بودن دانش

با توجه به این‌که هیچ کدام از شاخه‌های تخصصی و علوم انسانی دانش کامل نیستند و حتی با فرض کامل بودن آن (مانند ادیان الهی)، هیچ اندیشمندانی به تمامی زوایای آن احاطه کامل ندارد، و نیز از آن‌جا که انسان موجودی چندبعدی و چندوجهی است، لذا به طور طبیعی، در مطالعه و حل



فصلنامه علمی-پژوهشی

۲۶

دوره ششم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۳



هر پدیده‌ای نیازمند گونه‌های مختلف علوم، به ویژه در حوزه علوم انسانی است. به عبارت دیگر، انسان‌ها می‌توانند از طریق مواجهه با جهان به واسطه حواس (تجربه، عقل) برخی گزاره‌ها را اثبات، و هندسه معرفت را به اعتبار آن توجیه و تبیین کنند (چالمرز، ۱۳۸۴: ۱۳۶) و طبیعی‌ست که در این زمینه همه گزاره‌ها را نمی‌توانند اثبات و توجیه کنند، زیرا نه علم همه آنها در یک اندیشمند جمع است و نه یک پدیده و مسئله برای همه از یک اندازه اهمیت و حساسیت برخوردار است. لذا نیازمند مشارکت علوم و روش‌های مختلف برای ارزیابی درست پدیده‌ها هستیم. به عبارت دیگر، از آن‌جا که نظریات و دیدگاه‌های علمی، تدریجی‌الحصول و مسبوق به بسترهای معرفتی گوناگون هستند، در گذر زمان به ظهور نظریه می‌انجامند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰: ۲۶۶)، و در نتیجه هر کدام از شاخه‌های علمی در پرتو علوم دیگر قابل شناخت و ارزیابی هستند.

روش علم، نوعی گزینش و انتخاب است، اما باید دانست که گزینش مفهومی نسبی‌ست و عناصر فراتر و فروتر را در بر می‌گیرد و برای به حداقل رساندن فراز و فرود نیازمند نگرش چندتباری به مسائل علوم هستیم (همان: ۳۱۷). این امر در حوزه علوم انسانی به واسطه سابقه طولانی و دامنه وسیعی که دارد، رویکردی لازم و ضروری‌ست. به عنوان مثال کثرت روش‌ها و گوناگونی مکاتب در تفسیر قرآن سبب ظهور و رواج تفسیرهای مختلف و فهم‌های متنوع از آیات قرآن شده است.

با توجه به این‌که تخصصی و گزینشی شدن تحقیقات تجربی، تعصب و سخت‌گیری ناشی از بی‌خبری و حصرگرایی در روش‌شناختی را در دوره مدرنیسم افزایش داده است. لذا رهیافت‌ها و مطالعات گوناگون برای در امان ماندن از تبعات منفی ناشی از گزینشی بودن، امری لازم و جدی است. (نگرش چندتباری به علم). به عبارت دیگر، مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، تحلیل مسئله در پرتو رهیافت‌ها، رشته‌ها و دانش‌های گوناگون است و رویکرد چندتباری تا حدود زیادی توهم و خطای راه‌یافته در تحلیل‌ها را برطرف می‌کند.

چندتباری بودن مطالعات در علوم انسانی به دلیل برخورداری از عوامل گوناگون و یا به خاطر آثار و نتایج گوناگون آن است که ریشه در زمینه‌های معرفتی مختلف دارد. به عنوان مثال شورش‌های اجتماعی پدیده‌ای‌ست که نیازمند مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای و چندتباری از حیث سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، روان‌شناختی و اعتقادی‌ست. نتایج تحقیقات اندیشمندان نشان می‌دهد که کسانی که با رویکرد میان‌رشته‌ای به تحلیل مسائل علوم انسانی می‌پردازند از اضلاع، ابعاد و حقیقت آن پدیده بیشتر پرده‌برداری می‌کنند (همان: ۳۲۴).

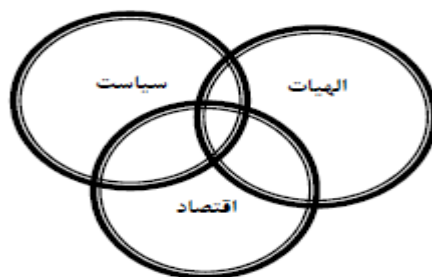


مطالعات میان‌رشته‌ای، بر خلاف نگرش حصرگرایی، نه تنها دیدگاه‌های دیگر را مردود و بی‌ثمر نمی‌داند، بلکه خود را محتاج مواجهه جدی و روش‌مند با آنها می‌داند، و با دوری از حصرگرایی روش‌شناختی از دیدگاه‌های مختلف دیگران بهره می‌گیرد (همان: ۳۳۲). به عبارت دیگر مطالعه میان‌رشته‌ای به جای تک‌گویی^۱، گفت‌وگو^۲ را انتخاب می‌کند. مطالعه میان‌رشته‌ای رویکرد مکانیکی به تخصص‌های دیگر ندارد، بلکه به یافتن رویکردی عمیق‌تر منجر می‌شود تا از طریق گفت‌وگو ضعف‌ها و قوت‌های هر رویکرد علمی معلوم شود و در نهایت نتیجه‌ای عمیق‌تر به دست دهد. به عنوان مثال یک سیاست‌مدار تا زمانی که مقید و محدود به ابزارها و رهیافت‌های رایج در علم خود باشد، دریافتی تک‌بعدی از دانش خود خواهد داشت. اما اگر نگرش چندتباری و چندوجهی را اختیار کند، سعی خواهد کرد که از دیدگاه جامعه‌شناسی، روانشناسی، تاریخ، فلسفه و... نیز به مطالعه موضوع بپردازد و این موجب وسعت یافتن سطح بصیرت و عمق فکری محقق و اندیشمند خواهد شد و او را به تحلیلی نو از تجربه دینی خواهد رساند. در واقع رویکرد چندتباری فرد را از حالت فردگرایی، حصرگرایی، التقاط و ابهام خارج می‌کند. در عین حال رویکرد چندتباری و میان‌رشته‌ای منافاتی با تعلق تحقیق به گستره واحد و معین ندارد.

۴. تعهد به وحدت علم بنابر ملاحظات اخلاقی

گرایش به اندیشه وحدت در غالب شاخه‌های علم سابقه دیرینه دارد. فلاسفه عصر یونان باستان، تجربه‌گرایان قرن بیستم، و حتی طرفداران نظریه سیستمی، همگی اعتقاد به نظامی واحد در همه علوم دارند و طبیعی‌ست تحقق چنین امری نیازمند توجه به مطالعات میان‌رشته‌ای است. البته این وحدت به معنای اصولی‌ست که بتواند چهارچوب منسجمی برای چندین علم همسایه و نزدیک به هم ایجاد کند. ماهیت (اخلاقی و رفتاری) انسان ایجاب می‌کند که پژوهشگران به مطالعات میان‌رشته‌ای علاقه‌ی بیشتر نشان دهند. زیرا بازدهی و بهره‌وری بالاتر کار تحقیقی در مرزهای علوم محقق می‌شود، در حالی که کار علمی دانشمندان معمولاً متمرکز در داخل محدوده می‌ماند و غفلت از مرزهای خاکستری باعث می‌شود بعضی نواحی دست‌نخورده و بکر باقی بمانند (تمدن: ۶۸). به عبارت دیگر باتوجه به نیازهای انسان به وجود آوردن نوعی پیوند ترکیبی میان عناصر و آموخته‌های بشر در حوزه‌های مادی، ادبی، دینی، سیاسی و عرفانی رویکردی مفید و لازم به نظر می‌رسد.

1. monologue
2. dialogue



نمودار ۱. اشتراک حوزه ها

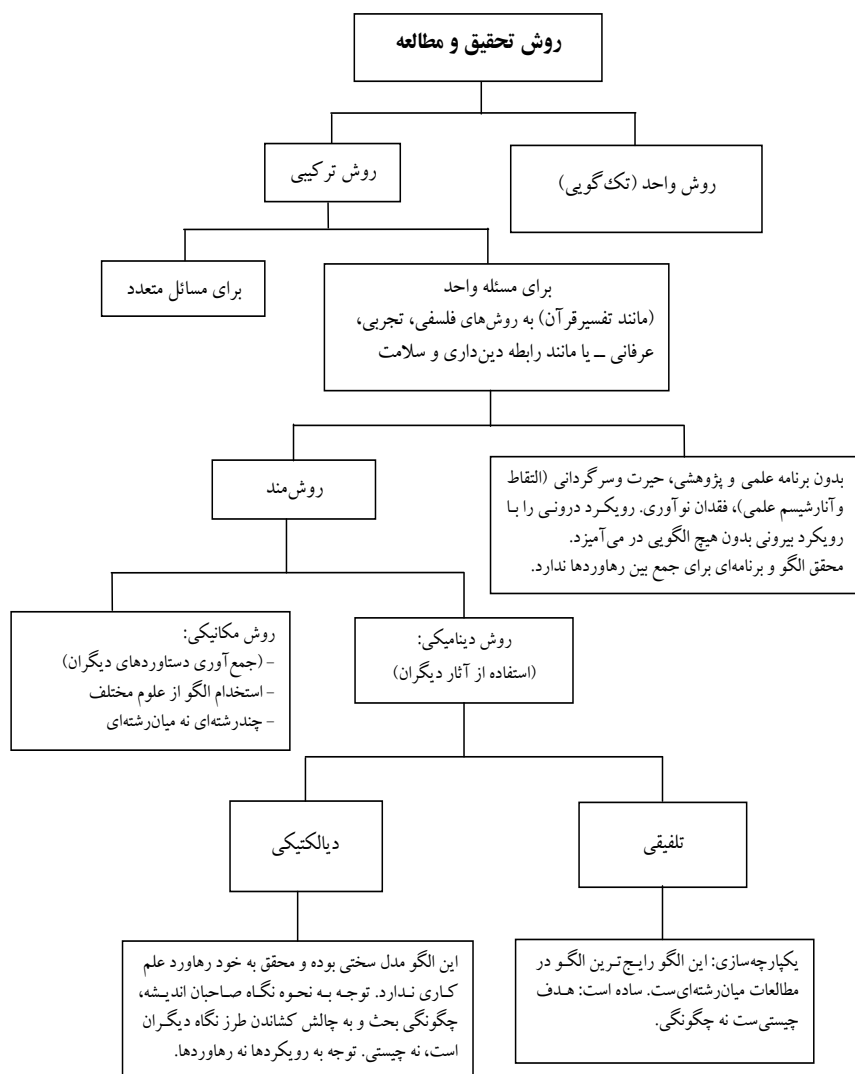
نمودار بالا نشان می‌دهد به هر نسبت که تعداد دایره‌ها بیشتر باشد، به همان نسبت تلاقی و حوزه‌های مشترک بیشتری پدید خواهد آمد. حوزه تلاقی در شکل فوق بیانگر فصل مشترک‌های بین دانش مختلف است که غالباً مغفول بوده و توجه چندانی به آنها نمی‌شود، در حالی که با ملاحظه و به کارگیری الگوی میان‌رشته‌ای بیشترین بهره و نتیجه حاصل خواهد شد. بنابراین تعامل میان اجزا و شاخه‌های علوم انسانی ایجاب می‌کند که مطالعات میان‌رشته‌ای موضوعات جدیدی را جستجو کند که نتیجه آن رشد نگاه چندتباری به علم و پاسخ به دغدغه‌های بنیادین بشر خواهد بود. حداقل به طور طبیعی فصل مشترک همه دانش‌ها و گرایش‌های تخصصی علوم انسانی در نقطه‌ای وحدت و هم‌گرایی دارد و آن عبارت است از کاهش درد و رنج، ایجاد رفاه، و زندگی سالم. چنین خواسته‌ای مستلزم نگاه بین‌رشته‌ای مشترک و به قولی بین‌الذهانی^۱ است. ارتباط انسان با جهان خارج فقط به وسیله علم به اشیائی است که آن‌ها از اختیار ما بیرون است. اما صورت‌هایی در ذهن حضور دارند (حائری یزدی، ۱۳۶۱: ۲) که در علم حصولی ارتسامی اثری از شیئی برای نفس انسانی حاصل مترتب شده و موجب انفعال و تأثر ذهن می‌شود. طبیعی است که به هر نسبت عرصه این تابش و اثرگذاری گسترده‌تر و گفتگویی‌تر باشد، به همان اندازه آگاهی انسان نیز در مسیر فزونی و کمال خواهد بود. زیرا در فرایند مطالعات میان‌رشته‌ای نه تنها چیزی از دست نمی‌رود، بلکه چیزهایی بر فهم و دانایی انسان در روش و محتوا افزوده می‌شود و به واسطه افزایش علم، الگوی حل پیچیدگی‌های زندگی بشر کامل می‌شود. مطالعات میان‌رشته‌ای باعث افزایش علم است و باعث افزایش تدریجی شناخت طبیعت، تغذیه ذهن‌های انتقادگر از اندیشه‌های متفکران، گسترش افق فکری ناشی از پیشرفت‌های جغرافیایی، انسانی و مبارزات مکتب‌های فکری و پیدایش اعتماد بر ادراک حسی در مقابل فرض‌های گوناگون می‌شود (گمپرتس، ۱۳۷۵: ۳۹۹).

1. intersubjective



گونه‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای

مطالعات بین‌رشته‌ای یکی از رهیافت‌های مطالعاتی و تحقیقاتی فلاسفه و اندیشمندان در ساحت علم و اندیشه، با قدمتی در حدود سه دهه است. به طور اجمالی می‌توان کلیات روش تحقیق با رویکرد میان‌رشته‌ای را با استفاده از نمودار زیر نشان داد: (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۰: ۳۳۵)



نمودار ۲. مطالعات میان‌رشته‌ای



فصلنامه علمی-پژوهشی

۳۰

دوره ششم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۳



توجه اندیشمندان به نحوه نگاه صاحبان اندیشه است. به عبارت دیگر هدف چگونگی بحث است نه چیستی آن. به عنوان مثال با نحوه نگاه جامعه‌شناس، روان‌شناس و دین‌شناس سر و کار دارد. هدف به چالش کشاندن طرز نگاه و نوع رویکرد دیگران است، نه الزاماً نتایج ورهاورد‌ها. رهیافت میان‌رشته‌ای متضمن نوعی کثرت‌گرایی و خاصیت دیالکتیکی برای دستیابی به فرادیدگاه‌ها است. رویکردهای متنوع را به چالش می‌کشد بدون آن‌که خود طرف دعوا قرار گیرد. چالش را با ضوابطی خاص، با همدلی، فهم زبان رشته‌ها، با سعه صدر و تسامح، و متعهدانه پیش می‌برد (علیخانی، ۱۳۸۶: ۱۴۶). به عبارت دیگر، روش مطالعات میان‌رشته‌ای برنامه‌ای زایا و پویاست و در جهت تولید علم حرکت می‌کند؛ نظریه‌ای است که با استفاده از رشته‌های مختلف طرح می‌شود.

رهیافت میان‌رشته‌ای یک گفت‌وگو مشترک و یک زبان مشترک است. در رهیافت میان‌رشته‌ای تحقیق به صورت فردی انجام نمی‌شود، کارها بر عهده تیم و گروه است. تخصص رشته‌ای ضرورتاً لازم نیست بلکه آشنایی با مبانی روش‌های مطالعات کفایت می‌کند. مشارکت همه رشته‌ها لازم نیست. در واقع دال مرکزی رهیافت میان‌رشته‌ای عبارت است از توجه و عنایت به اندیشه‌های دیگر. در حالی که رهیافت حصرگرایی به شدت دارای از جاشدگی و بی‌قراری است و بقیه مفاهیم حول این دال مرکزی مفصل‌بندی و عرضه می‌شوند.

نتیجه‌گیری

امکان خطا در فهم و روش استفاده از دانش‌های گوناگون ضرورت رهیافت مطالعات میان‌رشته‌ای را آشکار می‌کند، زیرا تعدد روش در مطالعات تحقیقی نشان می‌دهد که انسان به طور طبیعی برای شناخت پدیده‌های گوناگون نیازمند گونه‌های مختلف علم، به ویژه علوم انسانی، است. تلفیق دانش، روش و تجارب دو یا چند حوزه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک مسئله پیچیده و یا معضل اجتماعی چندوجهی، ما را به سوی رهیافت میان‌رشته‌ای سوق می‌دهد. مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی به قصد دیدن پدیده‌ها و مکمل‌سازی، تداخل، ترکیب و استفاده از تخصص‌های مختلف در حیطه‌های گوناگون صورت می‌گیرد و بر خلاف نگرش حصرگرایانه، نه تنها دیدگاه‌های دیگر را مردود و بی‌ثمر نمی‌داند، بلکه خود را محتاج مواجهه جدی و روش‌مند با آنها می‌داند. رهیافت میان‌رشته‌ای متضمن نوعی کثرت‌گرایی و رویکرد دموکراتیک به علم است که با استفاده از رهاوردهای گذشتگان، پژوهشگران را با رویکردهای جدید در عرصه تحقیق و پژوهش آشنا می‌سازد.

منابع

- بحرانی، م (۱۳۹۲)، رشته، میان رشته و تقسیم بندی علوم، فصلنامه مطالعات میان رشته ای، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، دوره پنجم، شماره ۲.
- برزگر، ا (۱۳۸۶)، اقتراح؛ ایده مطالعات میان رشته ای در ایران، مطالعات میان رشته ای در ایران، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- برزگر، ا (۱۳۸۶)، پیش بینی در علم سیاست، مقایسه علوم دقیقه و علوم انسانی، مطالعات میان رشته ای در ایران، به اهتمام ابراهیم برزگر و همکاران، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- بعلیکی، م (۱۹۹۲)، المورد (قاموس) انگلیسی - عربی، بیروت
- تمدن، م (۱۳۸۸)، علم اقتصاد و مطالعات میان رشته ای، مطالعات میان رشته ای در ایران، به اهتمام ابراهیم برزگر و همکاران، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جعفری، م (۱۳۸۰)، فرهنگ نشر نو انگلیسی به فارسی، فارسی به انگلیسی، تهران: نشر نو.
- چالمرز، آ. ف (۱۳۸۴)، چیستی علم، درآمدی بر مکاتب فلسفی، علم شناسی، ترجمه سعید زیباکلام، تهران، سمت، چاپ ششم.
- حافظ نیا، م (۱۳۸۲)، مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، تهران: سمت
- حائری یزدی، م (۱۳۶۱)، کاوش های عقل نظری، تهران: امیرکبیر، چاپ دوم.
- خورسندی طاسکوه، ع (۱۳۸۸) تنوع گونه شناختی در آموزش و پژوهش میان رشته ای، فصلنامه مطالعات میان رشته ای، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، شماره ۴
- دانشگر، الف (۱۳۸۹)، تحقیقات میان رشته ای، تهران: فرهنگستان علوم، شاخه ریاضی.
- دهخدا، ع (۱۳۷۷)، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- سیاسی، ع. الف (۱۳۵۰)، مبانی فلسفه، تهران: شرکت سهامی طبع و نشر کتاب های درسی ایران.
- عباس، ح (۱۳۸۳)، ساختار منطقی اندیشه سیاسی اسلام، ترجمه مصطفی فضائلی، قم: بوستان کتاب.
- علیخانی، ع. الف (۱۳۸۶)، روش شناسی در مطالعات سیاسی اسلام، تهران: دانشگاه امام صادق.
- فرامرز قراملکی، الف (۱۳۸۰)، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فرامرز قراملکی، الف (۱۳۸۳) اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهشی، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- گمپرتس، ت (۱۳۷۵)، متفکران یونانی، ترجمه محمدحسن لطفی، ج ۱، تهران: شرکت انتشارات خوارزمی.
- مطهری، م (۱۳۷۶)، مسئله شناخت، چاپ یازدهم، قم: صدرا.



فصلنامه علمی-پژوهشی

۳۲

دوره ششم
شماره ۲
بهار ۱۳۹۳

The Necessity of Interdisciplinary Studies in Humanities

Morteza Ebrahimi¹

Abstract

Relentless efforts of scholars in humanities to strike a balance between the beliefs of human beings about the world and life on the hand, and the issue of outlook on life (world view) indicates that there is a large gap between people's beliefs and their outlook on life (world view). Thus, it seems that any thought (however metaphysical or abstract), any experience (at any level of intuition), any point of view and belief (however intra-disciplinary or dated historically) is inevitably influenced by the social conditions. On the other hand, one of the most critical problems in humanities is the lack of paradigm. Therefore Interdisciplinary studies can fill in a portion of this gap. Interdisciplinary Studies and coordination of different specializations in the study of a single problem or various problems requires in the first place, an open, coordinated and analytical mind as well as the thought and initiative of the elite. Interdisciplinary Studies are not limited to specific discipline and cannot be limited within a specific boundary. All scholars in humanities, especially in Iran, should be actively involved in Interdisciplinary, multidisciplinary and meta-disciplinary Studies based on their deep philosophical knowledge, academic capabilities, historical background and recent political developments in the country. This is because no human social activity is one-dimensional. Interaction between different disciplines in humanities, however, has made it possible for the humanities to follow new topics in all academic areas. Therefore fallibility of human knowledge, its complimentary nature, multi originality of knowledge and moral commitment necessitate a serious approach to interdisciplinary studies in humanities.

Keywords: Interdisciplinary, Humanities, Comprehensiveness, Methodology



*Interdisciplinary
Studies in the Humanities*

3

Abstract

1. Assistant Prof. of University of Mohaghegh Ardabili. m45ebrahimi@yahoo.com